

بسم تعالی

پیامدهای فرزند کمتر در اقتدار ملی کشور

هانیه آزاد بخت^۱

چکیده

جمعیت یکی از مولفه‌های قدرت و اقتدار ملی است که تغییرات آن، تاثیر زیادی در رشد یا افول جامعه خواهد داشت، به طوری که بخش‌های متعدد جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در سال‌های اخیر، روند کاهش جمعیت و تبعات جدی و جبران ناپذیر آن سبب شده تا علماء و فقهاء بارها این مسئله را با جدیت به مسئولین و مردم گوشزد نموده و خطرات تحدید نسل و راهکارهای افزایش جمعیت را به مناسبت‌های گوناگون بیان کنند. در این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری مطالب کتابخانه‌ای به بررسی نقش کاهش جمعیت در اقتدار ملی پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ساختار مطلوب جمعیت جوان در کشور، اصلی‌ترین نقش را در تولید اقتدار ملی ایفا می‌کند، به طوری که کاهش آن موجب تضعیف قوای دفاعی و نظامی، نیروی کار و اقتصاد، اقتدار داخلی و سیاسی، پیشرفت علم و فناوری و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی در کشور می‌گردد.

کلید واژه: اقتدار ملی، پیامد فرزند کمتر، قدرت، رشد جمعیت

^۱ . طلبه سطح دو- حوزه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)، شهرستان کوه‌دشت

در یک جامعه مذهبی و دینی چون ایران، ارزش زیادی برای خانواده و تداوم آن وجود دارد، ارزش های خانواده از اساسی ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که با کنترل و هدایت آنها می توان جامعه را به زوال یا تعالی رساند، اما این ارزش ها در هر نسل تغییر می کند و همانطور که بزرگترها بیشتر به ارزش ها و اعتقادات گذشته پیوند دارند، نسل جدید و جوانان متمایل به ارزش های جدید می شوند. یکی از این ارزش های تغییر یافته در نسل جدید، تغییرات در تمایل به فرزند آوری است. در حالی که تناسب جمعیت برای هر کشوری از اهمیت زیادی برخوردار است، کاهش و یا افزایش جمعیت کشور بدون برنامه ریزی می تواند اثرات نامطلوبی بر اداره آن کشور در راستای رسیدن به توسعه بر جای گذارد. لذا پس از گذشت دو دهه اعمال سیاست نظارت و کنترل موالید بعد از انقلاب اسلامی، خطر کاهش نسل جوان و پیری جمعیت به وسیله مقام معظم رهبری ابراز گردید. ایشان معتقدند که نسل جوان عامل اصلی پیش روندگی کشور است و کاهش آن تبعات منفی بسیاری به جای خواهد گذاشت. در سال های اخیر با توجه به پیامدهای کاهش جمعیت در کشورهای پیشرفته، به ویژه وجود خطرات آن در اقتدار ملی، که شامل اقتدار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، علمی و... است، سیاست هایی بر مبنای افزایش جمعیت و زاد و ولد صورت گرفت. از آنجایی که اقتدار ایران اسلامی نیازمند این است که در همه عرصه ها و امور بتواند در حد اعلای خود نمود پیدا کند. برای دستیابی به این منظور، توجه به پیامدهای فرزند کمتر در خانواده ها بر مولفه های متعدد اقتدار ملی امری ضروری است. لذا در مقاله حاضر تلاش شده تا به این سوال که پیامدهای کاهش جمعیت در اقتدار ملی چیست؟ پاسخ داده شود.

در این زمینه تحقیقات زیادی انجام شده است که از جمله این موارد می توان به کتاب «جمعیت ایران افزایش یا کاهش؟» نوشته اکرم حسینی مجرد و همکاران در سال ۱۳۹۲ اشاره کرد. همچنین مقالات ارزنده ای چون «بررسی شاخص های اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری» از خسرو نیکنام و همکاران در سال ۱۴۰۱، «نقش افزایش جمعیت در اقتدار ملی» از فاطمه اعتمادی در سال ۱۳۹۸ و «نقش جمعیت و سیاست های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران» از محمد ولی علیئی در سال ۱۳۹۴ به نگارش درآمده است. در تمام موارد مذکور،

موردی که بتوان صرفاً به تأثیر کاهش جمعیت در اقتدار ملی پرداخت، یافت نشد. در این نگارش بعد از بیان مفاهیم مرتبط، به بررسی کاهش جمعیت بر تک تک مولفه های نامبرده پرداخته شده است.

۱- مفهوم شناسی

الف) اقتدار

اقتدار در لغت به معنای قدرت، توانایی و قوت می باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۱۳/۲؛ عمید، ۱۳۸۹: ۱۵۴) در واقع مشروعیت نهادینه شده ای است که اساس قدرت را تشکیل می دهد. (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۲۴)

قدرت ملی به عنوان پایه و اساس اقتدار ملی از جمله مقوله هایی است که از تشکیل چند مولفه به دست می آید؛ از همین رو مقوله ای انتزاعی بوده و وجود خارجی نداشته و وجودش از ترکیب و تعامل چند عنصر حاصل می شود. بعضی جنس آن را از نوع توانایی دانسته و آن را به مجموعه ای از توانایی های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور وجود دارد، تعریف می کنند. (کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۷۰) کالینز، قدرت ملی را مجموعه ای از توانایی های بالقوه و بالفعل یک کشور تعریف می کند که از توانایی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و نظامی آن کشور ناشی می شود. (کالینز، ۱۳۷۰: ۲۴) مفهوم قدرت با اقتدار متفاوت است. مک آیور معتقد است: «اقتدار یعنی قدرت بالفعل، یعنی مستلزم اطاعت کردن، در حالی که قدرت به خودی خود اقتدار نیست، بلکه مدعی اقتدار است. لذا در اقتدار تاکید بر حق است نه قدرت. به بیانی مقصود از اقتدار؛ حق مستقری است که در هر نظام اجتماعی برای تعیین خط مشی آن جامعه، اظهارنظر در مسائل مربوط به آن، رفع مناقشات و به طور کلی برای رهبری و هدایت دیگر مردمان وجود دارد. (آیور، ۱۳۴۴: ۱۰۰)

هیوود نیز معتقد است: اقتدار در گسترده ترین معنا، شکلی از قدرت است اما در تفاوت بین آنها، قدرت توانایی نفوذ بر رفتار دیگری است و اقتدار حق نفوذ بر رفتار دیگران است. قدرت از راه ترغیب، فشار، تهدید، اجبار یا خشونت، رضایت به بار می آورد. اما اقتدار مبتنی بر حق فرمانروایی بوده و از راه تکلیف و الزام اخلاقی فرمانبرداران، رضایت به دست می آورد. (کاظمی، ۱۳۹۸: ۱۵۵)

ب) اقتدار ملی

به قدرت دارای مشروعیت که از ناحیه یک حکومت در یک کشور برای تامین و تحقق اهداف و منافع ملی آن کشور اعمال می گردد، اقتدار ملی گفته می شود. اقتدار ملی برآیند ارزش

های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همراه با حفظ شرافت های انسانی است که می تواند باعث اعتلاء و سربلندی آن جامعه در عرصه داخلی و بین المللی شود و امکان توطئه، تطمیع و تجاوز را از بیگانگان بگیرد. (سازمان عقیدتی و سیاسی ناجا، ۱۳۸۲: ۱۹)

اقتدار ملی در بیانات رهبری، به واحدی سیاسی تعلق می گیرد. منظور از واحد سیاسی یک دولت- ملت است. (بیانات در تاریخ ۸ / ۶ / ۱۳۷۴ و ۲۸ / ۲ / ۱۳۸۰) با بررسی بیانات رهبری، این واژه دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است؛ وجه ایجابی آن بدین معنا است که نظام اسلامی توانایی پیشبرد کارها، دستیابی به اهداف و توانایی حضور فعال و اثر گذار در بین الملل را داشته باشد. وجه سلبی آن بدین معنا است که نظام توانایی مقابله در برابر زورگویی ها و دخالت های بیگانگان را داشته باشد؛ نفوذناپذیر باشد و از تهدید دشمنان هراس نداشته باشد. (بیانات ۲۸ / ۲ / ۱۳۸۰)

ج) جمعیت

در دایره المعارف علوم اجتماعی، مولفه جمعیت چنین لحاظ شده است: محدوده جغرافیایی خاص و زمان معین؛ یعنی به افرادی که در یک زمان معین، در واحد جغرافیایی خاص، زندگی می کنند جمعیت گفته می شود. این واحد جغرافیایی، می تواند یک روستا، یک شهر یا یک کشور باشد. (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۶۰۱/۲)

۲- مولفه های اقتدار ملی

مولفه ها و عناصر ملی همان مولفه های قدرت ملی است. قدرت یکی از مفاهیم سیاسی است که قدمتی بیش از ظهور دولت دارد، مهم ترین انواع قدرت عبارت است از: قدرت سیاسی، اقتصادی، علمی و فناورانه، نظامی و فرهنگی که دارای مشروعیت می باشد. یکی از مولفه های مهم و محسوس اقتدار یک جامعه، افزون بر سایر مولفه ها، عنصر جمعیت است. رابطه بین جمعیت و اقتدار یک کشور، یکی از موضوعات مهم مورد توجه کنشگران و بازیگران سیاسی است. آنها از این منظر به جمعیت نگاه می کنند که کمیت و کیفیت آن چه نقشی در افزایش یا کاهش قدرت ملی کشور دارد. از نظر آنها، کلیدی ترین عامل توسعه، نیروی انسانی است. نیروی انسانی محور و محرکه رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. (اعتمادی، ۱۳۹۸: ۲۰) به طوری که کاهش جمعیت و

بشری به وسیله کشورهای سلطه‌گر نیز مورد توجه است. با استیلای غرب بر علوم انسانی به‌ویژه اجتماعی، این شناخت برای آنان به وجود آمده که واکنش‌های بشری، ریشه در الگوی رفتار یک جامعه دارند که در مجموع شامل باورهای ارزشی - معرفتی اعتقادی و هنجاری آن جامعه می‌شود. از آنجایی که عنصر فرهنگی یکی از عوامل وحدت و یکپارچگی جامعه به شمار می‌آید، تمایل درونی به الگوهای فرهنگی خود، مهمترین سد در مقابل الگوهای بیگانه است. فرهنگ هویت، اصالت و روح جامعه است، به طوری که بسیاری از موفقیت‌ها و یا شکست‌ها، ریشه در فرهنگ دارند. تعالی و انحطاط تمدن یک جامعه را باید در فرهنگ آن جست و جو کرد.

البته باید دانست که عنصر فرهنگی همیشه در کنار راهبرد نظامی و اقتصادی هر کشور قرار دارد، نهادها و موسسات آموزشی، رسانه‌های گروهی و ارتباط جمعی و بنیادهای فرهنگی در کشورهای مختلف ارتباط تنگاتنگی با پیشرفت فرهنگ و انتقال باورهای ارزشی و اخلاقی آن جامعه خواهد داشت. (جلالی، ۱۳۷۸: ۱۴۵) دور کیم معتقد است زمانی که جمعیت قابل توجه باشد، افراد ناچارند برای حفظ موجودیت خود کار و تحرک بیشتری داشته باشند و این تحرک وافر باعث ایجاد و تحقق فرهنگ متعالی است. یعنی مردم در سایه کار و تقسیم کار به انسان‌های خود ساخته‌تر، منضبط‌تر و متعامل‌تری بدل می‌شوند. (گی‌روشه، ۱۳۸۷: ۴۱ و ۴۲)

با توجه به این اوصاف می‌توان عنوان نمود که فرهنگ همچون سایر مؤلفه‌ها و عناصر مادی مولد قدرت، یک پدیده نافذ و تأثیرگذار بر روابط متقابل کشورها می‌باشد. امام خمینی (س) در زمینه اهمیت ارزش‌های فرهنگی معتقد است که: استقلال فرهنگی و بازگشت به فرهنگ ایران اسلامی تنها راه نجات کشور و ملت و زمینه ساز دستیابی به اقتدار واقعی است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۰: ۱۶ / ۱۹۲) رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز خاطر نشان کرده و فرمودند: «مسأله فرهنگ را باید مسأله اول این کشور به حساب آورد و بدون تردید با پشتیبانی و تقویت بنیه‌های فرهنگی، پیشرفت این کشور در تمامی زمینه‌ها تضمین خواهد شد. اما اگر فرهنگ کشور اصلاح و پایه‌های آن مستحکم نشود، به احتمال زیاد برنامه‌ریزی در همه کارها ابتر خواهد بود». (فروغی جهرمی، ۱۳۷۱: ۱ / ۴۹)

هدف از تأکید بر فرزندآوری، تنها داشتن فرزند نیست، بلکه ایجاد یک تمدن پایدار و استحکام بخشیدن به تمدن

اسلامی در درازمدت است. در حقیقت، با آوردن فرزندان بیشتر، آینده تمدن و فرهنگ اسلامی نیز تضمین می‌شود. از سویی تک فرزندی، خود مقوله ای است که می‌تواند موجب بروز مشکلات فراوانی شود؛ فرزندان در چنین خانواده هایی نسبت به خانواده های پرجمعیت با مفاهیم ارزشی و اخلاقی ای نظیر قناعت، ایثار، گذشت، کمک به هم نوعان، صبر، شکیبایی، تحمل، مدارا و... بیگانه خواهند بود. همچنین این امر تغییراتی را در رفتارهای جنسی مردان و زنان موجب می‌شود. دستیابی دختران و پسران در سنین مختلف به ابزارهای کنترل بارداری و اطمینان از عدم بارداری های ناخواسته، زمینه لازم را برای ایجاد روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده افزایش می‌دهد که همه این موارد دال بر تضعیف ارزشهای اخلاقی جامعه است. (گاردنر، ۱۳۹۶: ۲۸۷)

نتیجه گیری

جمعیت یکی از مولفه های اقتدار ملی و استحکام ساخت درونی قدرت هر کشور است. این مسئله آنقدر اهمیت دارد که سایر قدرت های ملی را همچون قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در کشورمان شاهد سال‌هایی هستیم که به علل مختلف، سیاست کلی کشور به سمت کاهش جمعیت متمایل بوده است، به طوری که وجود این امر در سالهای اخیر، می‌تواند کشورمان را از جهات مختلف در معرض خطرات جدی و جبران ناپذیری قرار دهد.

با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در راستای حفظ جمعیت جوان در کشور، کاهش جمعیت کشور، اثرات نامطلوبی بر اداره کشور در راستای رسیدن به عزم و اقتدار ملی خواهد داشت. از منظر رهبر انقلاب اگر جمعیت کشوری سالخورده، غیر مولد، مصرفی و ناکارا باشد؛ مانعی برای رشد و توسعه خواهد بود و تضعیف اقتصاد ملی را در پی خواهد داشت. به عبارتی کاهش جمعیت سبب کم شدن نیروی کار جوان و پویا شده و به تدریج به تولیدات و اقتصاد آسیب می‌رساند. در حوزه نظامی و امنیتی نیز، کاهش قوای دفاعی کشور به دلیل کمبود نیروی جوان و آسیب پذیری در برابر تهدیدات خارجی مورد توجه است؛ زیرا جامعه ای که در سطح بین المللی دارای جمعیت بیشتر و جوان تری است می‌تواند دارای ارتش و قدرت نظامی قوی تری نیز باشد. از منظر سیاسی نیز کاهش جمعیت جوان، کاهش اقتدار سیاسی را به

دنبال خواهد داشت که می‌تواند استحکام داخلی را تضعیف کند. از سویی باید پذیرفت که هرچقدر رشد جمعیت کمتر شود، درجه تخصصی سازی کاهش یافته و مانع پیشرفت علمی می‌گردد، همچنان که این روند کاهشی جمعیت منجر به ایجاد هنجار اجتماعی بر ضد ارزش های فرهنگی و اخلاقی مانند قناعت، همکاری، صبر، ایثار، حفظ روابط خانوادگی و دوری از روابط جنسی در جامعه اسلامی نیز می‌گردد.

منابع و مأخذ

➤ قرآن کریم

۱. اعتمادی، فاطمه، نقش افزایش جمعیت در اقتدار ملی، فصلنامه ره توشه راهیان نور محرم الحرام، ۱۳۹۸.
۲. افشاری، مینو و آقا بخشی، علی اکبر، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، ۱۳۸۹.
۳. آیور، مک، جامعه و حکومت، ترجمه: ابراهیم علی کنی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
۴. پسندیده، عباس، اتحاد و نظریه اقتدار در فلسفه سیاسی اسلام، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۴۴، ۱۳۸۹.
۵. جلالی، هوشنگ، مقدمه ای بر نقش مؤلفه های قدرت اجتماعی - فرهنگی در امنیت ملی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۸.
۶. خانی، ریحانه و نصر الهی، زهرا، تاثیر رشد جمعیت بر نوآوری در ایران و کشورهای منتخب در حال توسعه، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، شماره ۴، ۱۳۹۲.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۷.
۸. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، ۱۳۷۵.
۹. سازمان عقیدتی و سیاسی ناجا، نگرشی بر تحولات سیاسی، تهران: سازمان چاپ و نشر عقیدتی سیاسی ناجا، ۱۳۸۲.
۱۰. سرایی، حسن، گذار جمعیتی دوم با نیم نگاهی به ایران، نامه جمعیت شناسی، دوره ۳، شماره ۶، ۱۳۸۷.
۱۱. سوختانلو، زهرا و رحمت آبادی، اعظم، تحدید نسل شیعه، تهدید جامعه ایران (علل کاهش جمعیت و

- پیامدهای آن)، فصلنامه معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۸۹، ۱۳۸۹.
۱۲. طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۱۳. عظیم زاده اردبیلی، فائزه و جلالی، زهرا، آسیب شناسی سیاست کنترل موالید و قانون تنظیم خانواده، فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده، شماره ۶۸، ۱۳۹۷.
۱۴. علینی، محمد ولی، نقش جمعیت و سیاست های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۲۸، ۱۳۹۴.
۱۵. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد، ۱۳۸۹.
۱۶. فروغی جهرمی، محمد قاسم، نقش فرهنگ دفاع مقدس در اصلاح فرهنگ عمومی کشور، تهران: سپاه پاسداران، ۱۳۷۱.
۱۷. فولادی، محمد، تاملی در سیاست کنترل جمعیت، آثار و پیامدهای آن، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره دوم، ۱۳۹۰.
۱۸. کاظمی، احسان، راهبردهای سیاسی تقویت اقتدار ملی ج.ا. ایران با تاکید بر اولویت بندی مولفه های بعد سیاسی قدرت ملی، فصلنامه علمی راهبردی دفاعی، شماره ۶۷، ۱۳۹۸.
۱۹. کاظمی، علی اصغر، روابط بین الملل در تئوری و عمل، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۸.
۲۰. کالینز، جی. ام، استراتژی بزرگ (اصول و رویه ها)، ترجمه: کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.
۲۱. کیهان، روح الله، کنترل موالید، تهران: چاپ بهمن، ۱۳۴۸.
۲۲. گاردنر، جان ویلیام، جنگ علیه خانواده، تلخیص و تدوین معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۶.
۲۳. گی روشه، تغییرات اجتماعی، مترجم: منصور وثوقی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
۲۴. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر کاشانی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.

۲۵. محقق نیا، محمد جواد، الگوی بانکداری اسلامی، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۳.
۲۶. مظفری، آیت، فرهنگ سیاسی در نگاه مقام معظم رهبری، نشریه حصون، شماره ۷، ۱۳۸۵.
۲۷. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۰.
۲۸. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.
- بیانات رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی)